

Critical Studies in Texts & Programs of Human Sciences,
Institute for Humanities and Cultural Studies (IHCS)
Monthly Journal, Vol. 20, No. 10, Winter 2020, 97-117
Doi: 10.30465/crtls.2020.33429.2020

A Critical Review of *Cooperation Systems in Libraries and Information Centers*

Hamidreza Radfar*

Maryam salami , Solmaz Noori*****

Abstract

Libraries and information centers always try to provide the best and most appropriate answers to their clients' questions and needs. Due to the increasing and diverse variety of information resources, many libraries do not have the capacity to provide these resources and make them accessible. Narges Neshat considers cooperation between libraries and information centers as a solution to expand the library's access to a variety of information resources to meet the needs of their clients. Moreover, by publishing the book "*Collaborative Systems in Libraries and Information Centers*", the author has addressed this issue. This resource, which can be considered as an educational resource for students of information and knowledge science and an applied source for specialists and professionals in this science, was critically examined in a descriptive-analytical manner. In this article, after introducing the book, its author and publisher, the structure of the book is mentioned, and then the book is reviewed in both form and content terms. This work is a specialized book in the subject of cooperation between libraries and information centers and has an appropriate scientific level. The most important weakness of this work is the lack of

* Assistant Professor of Information and Knowledge Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author), hamidr.radfar@gmail.com

** Assistant Professor of Information and Knowledge Science, Payam Noor University, Tehran, Iran, salamilib@yahoo.com

*** PhD Candidate of Information and Knowledge Science, Payam Noor University, Mashad, Iran, solmaz.noori@yahoo.com

Date received: 2020-05-24, Date of acceptance: 2020-11-21

Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

applied aspects; a few parts of this book are not specialized, and the resources used for this work are old.

Keywords: Cooperation Between Libraries, Information Centers, Interlibrary Loan, Resource Sharing, Form Review, Content Review

نقدی بر کتاب نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی

حمیدرضا رادفر*

مریم سلامی**، سولماز نوری***

چکیده

کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی همواره تلاش دارند تا بهترین و مناسب‌ترین پاسخ را برای پرسش‌ها و نیازهای مراجعان خود فراهم کنند. با توجه به افزایش روزافزون و تنوع فراوان منابع اطلاعاتی، هر کتاب‌خانه‌ای توان و امکان تهیه و در دسترس پذیر ساختن آن‌ها را ندارد. نرگس نشاط همکاری میان کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی را راه‌حلی برای توسعه دسترس‌پذیری کتاب‌خانه به انواع منابع اطلاعاتی جهت رفع نیازهای مراجعان آن‌ها می‌داند و در قالب کتاب *نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی* به این موضوع پرداخته است. این کتاب که می‌تواند منبعی آموزشی برای دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی و منبعی کاربردی برای متخصصان و حرفه‌مندان این علم قلمداد شود به شیوه توصیفی - تحلیلی مورد بررسی انتقادی قرار گرفت. در این مقاله، پس از معرفی کتاب مورد بحث، نویسنده، و ناشر آن ساختار کتاب مورد اشاره قرار گرفته و سپس به نقد شکلی و محتوایی اثر پرداخته شده است. اثر حاضر یک کتاب تخصصی در موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی و دارای سطح علمی مناسب

* استادیار علم اطلاعات و دانش‌شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، hamidr.radfar@gmail.com

** استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران، salamilib@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
solmaz.noori@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۳/۰۴، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۰۱

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose

است. از مهم‌ترین کاستی‌های کتاب ضعف در جنبه‌های کاربردی کتاب، عمومی بودن برخی مطالب، و کهنه بودن منابع آن است.

کلیدواژه‌ها: همکاری بین کتاب‌خانه‌ای، مراکز اطلاع‌رسانی، امانت بین کتاب‌خانه‌ای، اشتراک منابع، نقد محتوایی، نقد شکلی.

۱. مقدمه

از اهداف و رسالت‌های مهم علم اطلاعات و دانش‌شناسی ارائه منابع اطلاعاتی مناسب، معتبر، و مستند جهت رفع نیازهای اطلاعاتی مراجعان و مخاطبان (حضور و غیرحضور) کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی است. بسیار مهم است که متخصصان، حرفه‌مندان، و دانشجویان این علم، حرفه، و رشته دانشگاهی بدانند و معتقد باشند که برای رفع نیازهای اطلاعاتی مخاطبان خود تنها به منابع موجود و در دسترس خود اکتفا نکنند؛ چراکه در این صورت و با رشد و توسعه روزافزون و چشم‌گیر انواع منابع اطلاعاتی مراجعان خود را از بخش مهمی از انواع منابع محروم و روند رشد کیفی مطالعات، پژوهش‌ها، و آموزش را کند و ناقص می‌کنند. بنابراین، بسیار مهم است که اصحاب این حوزه با دانش و مهارت‌های لازم برای تهیه و اکتساب منابع اطلاعاتی از سایر مجموعه‌ها آشنا باشند و بتوانند رسالت و تعهد خود به مراجعان را به بهترین نحو انجام دهند. مقالات و فصل‌هایی از کتاب‌های مختلف به موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی پرداخته‌اند. در این میان کتاب *نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی*، نوشته دکتر نرگس نشاط، با توجه به این‌که به‌طور کامل و تخصصی در زمینه موضوع مهم همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی است، مورد توجه قرار گرفته شد تا نسبت به بررسی انتقادی آن به‌عنوان یک منبع اطلاعاتی و آموزشی در حوزه مورد نظر اقدام شود. جهت نقد و بررسی کتاب مورد نظر از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است و از این طریق به مطالعه و تحلیل ساختار و نقد درونی کتاب پرداخته شده است.

۲. معرفی و توصیف اثر و ارزیابی شکلی آن

۱.۲ مشخصات شناسنامه‌ای اثر

انتشارات سمت (سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها) کتاب *نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی*، به قلم دکتر نرگس نشاط، دانشیار سازمان

اسناد و کتاب‌خانه ملی ایران و متخصص علم اطلاعات و دانش‌شناسی، را در سال ۱۳۹۶ به‌چاپ رساند. ویراست این کتاب در سال ۱۳۷۹ توسط همین ناشر منتشر شده بود. مؤلف کتاب از پژوهش‌گران پرکار و صاحب مقالات و آثار متعددی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی است و درمیان این آثار مقالات و طرح‌های پژوهشی انجام‌شده‌ای نیز درزمینه همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای دارند.

۲.۲ معرفی ساختار کتاب

کتاب *نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی* در هشت صفحه مقدمات و ۲۵۲ صفحه محتوا و مؤخرات سازمان‌دهی شده است. اثر در قالب پنج فصل تنظیم شده است. کتاب با سخن ناشر آغاز و سپس فهرست مطالب نسبتاً مفصلی دارد که در آن تمامی سرعنوان‌های متن آورده شده است. در پیش‌گفتار، مؤلف به معرفی کتاب و اهداف آن پرداخته است و پس از آن فصل‌های کتاب شروع می‌شوند. هر فصل با مقدمه آغاز و به پرسش‌ها ختم می‌شود. بعد از اتمام فصل‌های کتاب، فهرست منابع استفاده‌شده در اثر آمده است و در ادامه فهرست اختصارات به‌کاررفته در کتاب آورده شده است. بخش بعدی کتاب واژه‌نامه انگلیسی به فارسی از موضوعات تخصصی موجود در اثر است و در انتهای کتاب نمایه موضوعی آمده است.

در فصل اول کتاب درمورد مفاهیم و تعاریف همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای، اهداف آن، انواع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای مانند امانت بین کتاب‌خانه‌ای و خدمات تحویل مدرک، همکاری‌ها درزمینه سازمان‌دهی منابع، توسعه مجموعه و خریدهای اشتراکی صحبت شده است. فصل دوم به تاریخچه همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و معرفی نمونه‌های از این دست همکاری‌ها در کشورهای مختلف جهان و سپس در ایران اشاره دارد. فصل سوم تأثیراتی را که فناوری در توسعه و ارتقای همکاری‌ها گذاشته است بیان کرده است و به نتایج بهره‌گیری از فناوری در انواع همکاری‌ها مانند فهرستگان‌ها، خدمات سازمان‌دهی، مرجع و اشتراک محتوای دیجیتال، و مبادله منابع پرداخته است. فصل چهارم درمورد شبکه‌ها، انواع آن، و عملکرد شبکه‌ها در انجام انواع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای صحبت کرده است و در نهایت فصل پنجم به زیرساخت‌های اصلی و لازم برای راه‌اندازی و توسعه همکاری‌ها پرداخته است.

۳.۲ ویژگی‌های فنی اثر

طرح جلد اثر در عین سادگی پرمعناست، تصویری از افرادی که هرکدام بخشی از یک پازل را در دست دارند و با همکاری هم امکان کامل کردن آن را دارند. نکته جالب آن که قطعه‌های در دست هر فرد از لحاظ اندازه با هم متفاوت است و این می‌تواند بیان‌گر این مفهوم باشد که کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی با اندازه‌ها و امکانات متفاوت می‌توانند با همکاری هم مجموعه منابع و خدمات خود را کامل کنند.

صحافی کتاب خیلی محکم و استوار به نظر نمی‌رسد و گویی پس از چندین بار مطالعه بخشی از صفحات آن جدا خواهند شد. کتاب در قطع وزیری چاپ شده است و برای مطالعه مناسب است. حروف‌نگاری در کل متن خوب است. برای بدنه متن، عناوین، و عناوین فرعی از فونت مناسبی استفاده شده است. سایز فونت نیز مناسب است. فاصله بین کلمات و سطور استاندارد و فواصل دور صفحه نیز مناسب است و در مجموع خواندن کتاب به راحتی صورت می‌پذیرد.

۴.۲ ویرایش ادبی

در زمینه علائم سجاوندی و رعایت قواعد نگارشی باید گفت که متن کتاب بسیار خوب ویراستاری شده است. به سختی بتوان نکته‌ای یافت که مشکل ویرایشی داشته باشد و خواندن متن را دچار مشکل کند. ممکن است در برخی پاراگراف‌ها به واسطه طولانی بودن آن و تعداد زیاد اصطلاحات تخصصی درک متن برای برخی مخاطبان و به خصوص دانشجویان دوره کارشناسی دشوار باشد، ولی این دست موارد چندین بار زیاد نیست و در ادامه به مواردی از آن‌ها اشاره خواهد شد. در زمینه غلط‌های نگارشی و اشتباهات تایپی باید گفت که کتاب بسیار عالی مورد بررسی و نمونه‌خوانی قرار گرفته است و تقریباً هیچ اشتباهی از این لحاظ در آن یافت نشد که در مقایسه با سایر کتاب‌های نقدشده توسط ناقد اثر نکته‌ای بسیار جالب و مثبتی است. تنها سه مورد در زمینه ویرایش ادبی در کل متن قابل توجه بود که در ادامه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

در صفحه ۵۹ در انتهای پاراگراف اول با توجه به محتوای متن «منجر شد» باید «منجر نشد» باشد.

در صفحه ۹۷ «سیلور پلاتر» «سیلویا پلاتر» نوشته شده است.

نقدی بر کتاب نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز ... (حمیدرضا رادفر و دیگران) ۱۰۳

رعایت یک‌دستی نیز در برخی موارد در متن رعایت نشده است. برای مثال، در صفحه ۱۵۰، XML آمده است، آن‌هم چند بار و در صفحه ۱۵۱، ایکس.ام. ال آمده و بازهم چند بار.

۵.۲ رعایت اصول علمی ارجاع‌دهی در درون متن و کتاب‌نامه

ارجاعات درون‌متنی بسیاری در کل متن وجود دارد که همه اصول ارجاع‌دهی استاندارد، مانند آنچه در بسیاری از کتاب‌هاست، در قبال آن‌ها رعایت شده است؛ یعنی نام خانوادگی و سپس سال انتشار اثر. این نوع ارجاع هرچند درست است، تنها مناسب یافتن مشخصات دقیق منبع در کتاب‌نامه است و چون شماره صفحه در ارجاع درون‌متنی نیامده است، دستیابی به اصل مطلب برای مقایسه یا یادگیری بیش‌تر دشوار می‌شود. در مورد کتاب‌نامه (فهرست منابع) نیز می‌توان به جرئت گفت که مطابق با اصول علمی و استاندارد کتاب‌نامه‌نویسی انجام شده است و یک‌دستی در کل آن مشاهده می‌شود.

۳. تحلیل و ارزیابی محتوایی اثر

۱.۳ بررسی ابعاد آموزشی اثر

در خود کتاب، اثر حاضر را مناسب برای دروس «خدمات فرانهادی کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی» و «مدیریت کتاب‌خانه‌ها» در مقطع کارشناسی و درس «اشتراک منابع در محیط دیجیتال» و «مدیریت منابع اطلاعاتی» در مقطع کارشناسی ارشد دانسته است. البته در تمام دروس ذکرشده، بخشی از آن‌ها مربوط به همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی است و می‌توان اثر حاضر را به‌عنوان منبع آموزشی برای آن‌ها معرفی کرد. البته، در صورتی که بخش مجموعه‌سازی اشتراکی کتاب مفصل و کاربردی‌تر تدوین می‌شد، می‌توانست منبع خوبی برای درس «مدیریت مجموعه‌سازی» در دوره کارشناسی نیز قلمداد شود.

سطح علمی کتاب، با توجه به میزان استفاده از منابع متعدد و اصطلاحات علمی و تخصصی، نسبتاً بالاست. البته فصل‌های یک و دو از لحاظ سطح علمی کاملاً منطبق با سطح علمی دانشجویان کارشناسی است، اما تعدد اصطلاحات و سطح موضوعات در بخش‌هایی از سایر فصول بیش‌تر مناسب دانشجویان کارشناسی ارشد است که در ادامه مقاله بدان پرداخته خواهد شد.

در کل اثر، به‌غیر از موارد مربوط به انواع شبکه‌ها و شاخص‌ها، استفاده خاصی از ابزارهای علمی مانند نمودار، جدول، و تصویر نشده است. استفاده از تصویر به‌خصوص در بخش مربوط به معرفی نمونه همکاری‌ها در فصل دوم و نشان‌دادن وبسایت‌های آنان یا ارائه آمار و ارقامی از سطح و میزان همکاری‌های مختلف در قالب جدول و نمودار می‌توانست در ارتقای سطح جذابیت و یادگیری کتاب کمک کند.

چند نکته جزئی هم در زمینه ابعاد آموزشی اثر قابل‌بحث است:

در صفحات ۱۷ و ۱۸ به تعدادی از فهرستگان‌های بین‌المللی اشاره شده است که باتوجه به هدف آموزشی کتاب در راستای تربیت دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، برای توسعه همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای، در عمل مناسب است و اشاره‌ای هم به فهرستگان‌های داخلی مانند پایگاه اطلاع‌رسانی کتاب‌خانه‌های ایران (www.lib.ir)، یا شبکه‌های نرم‌افزارهای فراگیر داخلی مانند نوسا و پارس‌آذرخش هم شده است؛ چراکه این شبکه‌ها تأثیر فراوانی در توسعه همکاری‌های بین‌کتاب‌خانه‌ای در داخل کشور دارند.

در انتهای هر فصل پرسش‌هایی مطرح شده است که نشان از اهداف آموزشی در تألیف اثر دارد، هرچند پرسش‌ها چندان چالش‌برانگیز نیست و مخاطب را به فکر بیشتر یا تشویق به مطالعه بیشتر نمی‌کند.

تعداد زیاد نمونه‌ها و مثال‌ها از همکاری‌های بین نظام‌های اطلاعاتی در سطح جهانی در فصل دوم بدون داشتن ترتیب ساختارمند سبب سردرگمی و خستگی خواننده و دورشدن مطالب از ذهن وی می‌شود؛ به‌خصوص وقتی هدف از مطالعه کتاب آموزش باشد. هم‌چنین مناسب بود تا برای درک بهتر مخاطب از این نمونه‌های متعدد همکاری از تصاویر وبسایت‌ها یا حداقل آدرس آن‌ها (در صورت وجود) استفاده می‌شد تا خواننده هم بتواند ارتباط بهتری با مطلب برقرار کند و هم در صورت علاقه‌مندی بیشتر به هر مورد یا نیاز وی به آشنایی بیشتر با طرحی بتواند با مراجعه به وبسایت آن اطلاعات بیشتری را کسب کند. طرح‌های همکاری این روزها از فناوری‌های متنوع اطلاعاتی استفاده بسیار می‌کنند و اگر طرحی هم‌چنان در حال فعالیت باشد، به‌طور قطع وبسایت مناسب و جامعی هم خواهد داشت.

۲.۳ مسئله‌مندی کتاب و پاسخ‌گویی به نیازهای علمی و کاربردی کشور

از اهداف مهم و اصلی همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، توان‌مندشدن آن‌ها در راستای پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای کاربران‌شان و توسعه خدمات‌شان است. این مهم

به‌خصوص زمانی که کتاب‌خانه‌ها در راستای تأمین منابع و ارائه خدمات از جنبه‌های گوناگون سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی تحت فشارند، از اهمیت بیش‌تری برخوردار است. در سال‌های اخیر، که کشور درگیر مسائل مهمی هم‌چون تحریم‌های سنگین، قیمت بالای ارز، و ضعف شبکه‌های ارتباطی است، موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در جهت رفع نیازهای اطلاعاتی کاربران خود و کاربران سایر کتاب‌خانه‌ها برای توسعه و رشد علمی کشور و رفع نیازهای اساسی آن بسیار اهمیت دارد. از این‌رو، موضوع کتاب می‌تواند مسئله مهم این روزهای کشور در زمینه تهیه و توسعه دسترسی به منابع اطلاعاتی باشد، اما در کتاب کم‌تر به این نکته برمی‌خوریم که چگونه می‌شود به‌صورت کاربردی از طریق توسعه همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای بر مشکلات حاضر غلبه کرد، موانع انجام کار در کشور چیست، همکاری‌های موفق و غیرموفق کدام‌ها بوده‌اند، و چگونه می‌توان با بهره‌گیری از فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی به راه‌اندازی یا توسعه همکاری‌ها اقدام کرد.

۳.۳ ارزیابی نظم منطقی و انسجام درونی بخش‌های مختلف کتاب

کتاب با معرفی انواع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای آغاز شده، سپس با تاریخچه همکاری‌ها ادامه یافته، و بعد از آن به فناوری، شبکه، و زیرساخت‌ها پرداخته است. بنابراین، می‌توان گفت ترتیب فصول از نظم منطقی برخوردار است. در مورد نظم منطقی و انسجام درونی در هر فصل هم تلاش بر پیروی از نظم عقلانی شده است، باین‌حال از جمله نکاتی که در این زمینه قابل بحث و اشاره است موارد ذیل است:

در صفحه ۱۶ عنوان بخش «مراحل همکاری و ارکان مهم آن» است، در صورتی که تنها به ارکان همکاری اشاره شده است و از مراحل آن سخنی به‌میان نیامده است.

در فصل دوم در مورد تاریخچه همکاری‌ها در مؤسسات و مراکز اطلاع‌رسانی در سطح بین‌المللی به تعداد زیادی نمونه در سطح جهان اشاره شده است. از مشکلات این قسمت این است که تعداد زیاد نمونه‌ها و موارد بدون هیچ ترتیب و دسته‌بندی خاص یا منطقی آورده شده‌اند. باین‌که عنوان فصل تاریخچه است، توالی تاریخی در متن دیده نمی‌شود. هم‌چنین موارد با ساختار مشخص و قابل درکی بیان نشده‌اند. در برخی موارد زیر یک عنوان چندین نمونه آورده شده است، در جای دیگر یک عنوان تنها به یک طرح اشاره دارد، و در بعضی موارد مثلاً صفحه ۶۷ عنوان «در انگلیس» آمده که نمونه‌ها را محدود به یک کشور کرده است.

در ادامه فصل دوم و در بخش نهادهای بین‌المللی در ترویج همکاری نیز، عدم ساختار و طبقه‌بندی مناسب دیده می‌شود. در حالی که ابتدا به معرفی سازمان‌ها و نهادهای بین‌المللی مانند فید، ایفلا، و یونسکو پرداخته شده، در ادامه و در قالب همان دسته‌بندی و بدون مشخص کردن بخش خاصی طرح‌ها و برنامه‌های مربوط به همان سازمان‌ها آورده شده، در صورتی که بهتر بود در زیر سرعنوان همان بخش مربوط به آن‌ها آورده می‌شد. برای مثال، برنامه کنترل کتاب‌شناختی جهانی یا برنامه دسترسی جهانی به انتشارات، که از برنامه‌های مرتبط به ایفلاست (محسنی ۱۳۸۲: ۲۷۱)، به‌طور جداگانه و در قالب همان دسته‌بندی آمده است. این گسستگی مطالب و ساختار در بخش طرح‌ها و برنامه‌های اجرا شده در ایران هم دیده می‌شود. در میانه مطالب مربوط به طرح غدیر، ناگهان پاراگرافی در زمینه دفتر اشتراک و تهیه منابع از کتاب‌خانه ملی استرالیا و بریتانیا در ایراندک دیده می‌شود. در مقدمه فصل سوم، با عنوان «جایگاه فناوری در ارتقای سطح همکاری و مشارکت»، چند صفحه‌ای در مورد اطلاعات و دانش و فناوری و شکاف دیجیتالی صحبت شده است که هیچ نیازی به این مطالب وجود ندارد و در این قسمت جایگاهی ندارد. در صفحات ۱۲۵ تا ۱۲۷ زیر سرعنوان «بهره‌برداری از فناوری در اشتراک محتوای دیجیتالی» به معرفی و ارائه انواع تعریف از کتاب‌خانه دیجیتال پرداخته شده است که، باتوجه به عنوان بخش و هدف اصلی کتاب، هیچ ضرورتی برای آن وجود ندارد.

۴.۳ میزان استحکام تحلیل‌ها و تبیین‌های ارائه‌شده در اثر

در کنار مطالب ارزش‌مند و مستند ارائه‌شده در متن کتاب، چند موضوع قابل‌اشاره در زمینه موارد مطرح‌شده در کتاب وجود دارد:

در صفحه ۱ در پیش‌گفتار و هم‌چنین در پاراگراف ۲ صفحه ۱۰ آمده است: «سیاست مراکز اطلاع‌رسانی از مالکیت بر منابع به دسترسی به منابع اطلاعاتی تغییر کرده است»، هرچند رسیدن به این نگرش و سیاست مهم و ضروری به‌نظر می‌رسد، هم‌چنان بسیاری از کتاب‌خانه‌های بزرگ بر موضوع مالکیت بر منابع تأکید دارند که خود مانع بزرگی بر سر راه همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای است، لذا این تغییر بیان‌شده هنوز کامل صورت نگرفته است.

در صفحه ۱۶ به برنامه‌ریزی در مسئله همکاری در کتاب‌خانه‌ها اشاره شده، اما اشاره‌ای کلیشه‌ای شده، بدون هیچ بیان واضحی از تأثیر برنامه‌ریزی. فقط به‌صورت کلی بیان شده

است که برنامه‌ریزی خوب است و این مراحل را دارد و درباره برنامه‌ریزی و همکاری‌ها سخنی به‌میان نیامده است.

در بخش «مراحل همکاری و ارکان مهم آن» در صفحات ۱۶ تا ۱۹ به دو رکن اساسی «دست‌رسی وسیع به اطلاعات کتاب‌شناختی» و «نظام اطلاع‌رسانی مناسب و استانداردهای موردنیاز» پرداخته شده است که در این میان به چند نکته بایستی اشاره شود؛ اول این‌که در هر دو رکن به موضوع فهرستگان‌ها اشاره شده است که ارائه این موضوع تنها درمورد یکی از آن‌ها کافی بود. نکته دوم این‌که مطالب ارائه‌شده در این بخش تا حدودی تنها مناسب همکاری‌های رسمی وسیع ملی و بین‌المللی است، درحالی‌که بسیاری از همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی فارغ از ارکان اشاره‌شده در این بخش در حال انجام است. بسیاری از کتاب‌خانه‌ها تنها با داشتن امکان جست‌وجوی از راه دور در فهرست کتاب‌خانه‌های همکار به رفع مشکلات خود اقدام می‌کنند و هیچ نیازی به داشتن فهرستگان مشترک ندارند. همچنین، بسیاری از همکاری‌ها به صورت غیررسمی و خارج از قواعد و استانداردها به صورت موفقیت‌آمیزی صورت می‌پذیرد، لذا رکن خواندن این دو نکته کمی جای تردید دارد. نکته سوم این‌که در بخش استانداردها مناسب بود تا اشاره‌ای به چند نمونه استاندارد و کارکرد آن‌ها نیز می‌شد.

در صفحات ۲۲ و ۲۳ به چهار عامل به‌عنوان موانع اجرای امانت بین کتاب‌خانه‌ای اشاره شده است. هرچند مطالب بیان‌شده در اجرای خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای مؤثر است، خیلی خوب تبیین نشده است و به موارد دیگری هم می‌توانست اشاره شود. عوامل اقتصادی‌ای که به‌منزله مانع تلقی شده، یکی از دلایل اصلی بهره‌گیری از خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای است (محسنی ۱۳۸۲: ۲۷۳). برخلاف آنچه اشاره شده است، کندی توسعه مجموعه کتاب‌خانه‌ها به‌واسطه کمبود منابع مالی مانع خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای نیست، بلکه باعث و مشوق آن است. همچنین، به کمبود نیروی آموزش‌دیده در این بخش اشاره شده است که بهتر بود در قسمت عوامل انسانی بیاید. درمورد عوامل انسانی، نگرانی از وضع استخدامی مانعی در اجرای خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای دانسته شده است. این مورد زمانی صحیح است که کتاب‌دار خارج از قواعد و تفاهم‌نامه‌های سازمانی به ارائه این خدمات اقدام کرده باشد، درغیراین‌صورت و هنگامی که این خدمات در قالب تفاهم‌نامه و قرارداد همکاری مصوب رؤسای سازمان مادر باشد، دیگر نگرانی بابت ارائه خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای وجود نخواهد داشت. شاید تبلی و روحیه عدم همکاری، عدم تخصص کافی نیروی شاغل (بیگدلی و باجی ۱۳۸۸: ۲۱۲)، و نداشتن پای‌بندی به رسالت‌های

کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی را بتوان از عوامل مهم انسانی مانع ارائه خدمات دانست، ولی ترس استخدامی خیلی مهم نخواهد بود. از دیگر موانع مهم در اجرای خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای مسائل فرهنگی مخاطبان است که در قسمت عوامل فرهنگی و اجتماعی بدان اشاره نشده است. از بزرگ‌ترین مشکلات در خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای این است که بسیاری از کاربران کتاب‌خانه مبدأ خدمات در مواردی که کتاب مورد تقاضای خود را در امانت کاربر کتاب‌خانه دیگری ببینند بر نمی‌تابند و بسیار معترض خواهند بود که وقتی جامعه اصلی کتاب‌خانه به منبعی نیاز دارد، چرا کتاب در اختیار دیگری است. معضل فرهنگی دیگر این‌که گاه کتاب‌خانه‌هایی که مجموعه غنی‌تری دارند و بیش‌تر امانت‌دهنده منابع‌اند، تمایلی برای همکاری با کتاب‌خانه‌های کوچک‌تر ندارند و همین یکی از عوامل شکست بسیاری از طرح‌های همکاری بین کتاب‌خانه‌ای است (علوم ۱۳۸۲: ۱۴۳). در این حوزه، می‌توان نبود قوانین و مقررات خاص اجرای خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای را نیز عامل مهمی دانست.

در صفحات ۲۳ تا ۲۸ به خدمات تحویل مدرک به‌عنوان یکی از انواع همکاری‌های بین مؤسسات اطلاع‌رسانی و کتاب‌خانه‌ها پرداخته شده است. مطالعه این صفحات نوعی خلط مبحث بین دو موضوع شبیه ولی با اهداف تاحدی متفاوت، یعنی تحویل مدرک و تأمین مدرک، را نشان می‌دهد. حتی باین‌که نگارنده کتاب در صفحه ۲۱ به این تفاوت اشاره کرده است، باز هم در طول این صفحات مواردی مانند معیارهای انتخاب کارگزار، هزینه‌ها، و دسترسی به پایگاه‌های اطلاعاتی بیش‌تر مربوط به موضوع تأمین مدرک است تا تحویل مدرک. نکته مهم این‌که این موضوعات (تحویل مدرک) زیرمجموعه نظام‌های همکاری است؛ یعنی مواردی که کتاب‌خانه‌ها و مراکز بتوانند در قالب تفاهم‌نامه‌های همکاری نیازهای مخاطبان خود را رفع کنند (چه انتفاعی و چه غیرانتفاعی). این‌که بتوانند از طریق کارگزاران و تهیه منابع و پایگاه‌های اطلاعاتی و صرف هزینه آن نیازهای کاربران خود را رفع کنند دیگر در موضوع همکاری‌ها نمی‌گنجد.

از نکات بسیار مهم در بحث خدمات امانت بین کتاب‌خانه‌ای و تحویل مدرک، که باید بدان اشاره شود، موضوع حق مؤلف و رعایت آن است. کتاب‌خانه‌ها در ارائه منابع و مستندات به کاربران سایر مراکز به‌خصوص در بخش تحویل مدرک باید به این نکته توجه داشته باشند که بسیاری از موارد دسترسی آن‌ها به منابع اطلاعاتی و به‌خصوص در زمینه پایگاه‌های اطلاعاتی (براساس قرارداد آن‌ها با ناشران) تنها قابل ارائه به کاربران مستقیم همان مرکز است و حق ارائه به غیر را ندارند. این موضوع در اکثر قراردادها مورد تأکید قرار می‌گیرد.

از دیگر عوامل مهم در بحث تحویل مدرک و امانت بین کتاب‌خانه‌ای بحث زمان تحویل منابع است (بیرانوند و رنجبر ۱۳۸۹: ۳۸) که در کتاب به آن اشاره نشده است. اگرچه موضوع سرعت عمل و زمان با توسعه و گسترش فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی بسیار تسهیل شده است، پرداختن به این موضوع به‌عنوان یک مسئله مهم در موفقیت یا شکست خدمات تحویل مدرک حائز اهمیت است.

در فصل دوم به تاریخچه همکاری‌هایی پرداخته شده است که تقریباً شروع تاریخچه از قرن نوزدهم است و اتفاقات معاصر بیش‌تر معرفی شده و درمورد دوره‌های قبل از آن صحبتی نیست. مناسب بود حتی اگر هیچ سابقه همکاری در سالیان قبل وجود نداشته است، توضیحی درمورد علت آن بیان می‌شد. درضمن، همان‌طور که گفته شد، بیش‌تر مطالب این فصل معرفی طرح‌های مختلف همکاری است تا تاریخچه و ساختار و ترتیب تاریخی نیز ندارد. هم‌چنین، به‌نظر مطالب مطرح‌شده قدیمی است. نمی‌توان دریافت که آیا طرح‌ها هم‌چنان ادامه دارند یا اهداف و شیوه‌های ارائه خدمات بسته به توسعه و رشد فناوری تغییر کرده است یا خیر. برای مثال، درزمینه خدمات تحویل مدرک کتاب‌خانه بریتانیا در مطلب مربوط به اقدام سریع نوشته شده است که برای ارسال منابع از طریق دورنگار، پیک، یا پست هوایی اقدام می‌شود، درحالی‌که مدت‌هاست برای ارسال سریع به‌روز منابع از پست الکترونیک یا شبکه‌های اجتماعی استفاده می‌شود.

در بخش مربوط به معرفی طرح‌ها و برنامه‌های همکاری اجراشده در ایران به برخی نکات مفید و در بعضی موارد ضروری اشاره شده است؛ برای مثال، ایراداتی که به نحوه شکل‌گیری، مدیریت، خدمات‌رسانی، و دلایل عدم همکاری بسیاری از کتاب‌خانه‌های بزرگ با طرح کنسرسیوم محتوای ملی مطرح است. هم‌چنین اشاره به این نکته که مدت‌هاست مدیریت خریدهای کنسرسیومی وزارت علوم به‌عهده پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات سپرده شده مطلب مهمی است. اطلاعاتی درزمینه مجمع کتاب‌خانه‌های بزرگ ایران (مکتب) یا مجمع کتاب‌خانه‌های تخصصی استان قم (مکتا) که فعالیت‌های ارزش‌مندی هم انجام داده، ارائه نشده است. نکته دیگر این که مدت‌هاست نام کتاب‌خانه منطقه‌ای علوم و تکنولوژی شیراز به مرکز منطقه‌ای اطلاع‌رسانی علوم و فناوری اطلاعات تغییر یافته است و، باتوجه به سال نشر اثر موردنقد و بررسی، انتظار بر این است که نام درست و جدید نیز در این بخش درج شده باشد.

در فصل سوم مطالب زیادی در حوزه فناوری اطلاعات و استانداردها در کتاب‌خانه‌های دیجیتال آورده شده است؛ مطالبی هم‌چون مبادله داده‌ها، مجموعه‌سازی و مهارت‌های

مجموعه‌سازی، انواع فراداده و تعاریف آن‌ها، خدمات و امکانات وب ۲. هرچند تمام این موارد می‌توانند در زمینه همکاری بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، به‌خصوص کتاب‌خانه‌های دیجیتال، مؤثر و کاربردی باشند، در متن کتاب نمی‌توان به‌درستی و دقیق به این مهم دست یافت. در جایگاه یک اثر آموزشی و کاربردی انتظار بر این است تا با تحلیل‌های دقیق و ارائه راه‌کارها و نتایج مشخص شود که هر یک از این موارد چه تأثیری در روند همکاری‌ها دارد و در حد مقدور مثال‌هایی هم در این زمینه آورده شود تا موضوع برای خواننده اثر ملموس شود. مطالب ارائه‌شده در این فصل، در صورتی که به‌طور دقیق مشخص نشود که چه ارتباط معینی با موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی دارد، درک ارائه آن در این اثر برای مخاطب سردرگم‌کننده است. چنین محتوایی را می‌توان در بسیاری از منابع دیگری که درخصوص کتاب‌خانه‌های دیجیتال است پیدا کرد.

فصل چهارم به شبکه‌ها و کاربرد آن در همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای پرداخته است. شبکه‌ها در ارائه انواع خدمات بین کتاب‌خانه‌ای ضروری و بسیار تأثیرگذارند. در تعریف شبکه، وظایف و اهداف آن، و ریخت‌شناسی شبکه اشاراتی به تأثیر آن در ارائه خدمات بین کتاب‌خانه‌ای و همکاری‌های بین مراکز اطلاع‌رسانی شده است، ولی انتظار بر این است که این مهم ملموس‌تر باشد؛ به‌خصوص با توجه به اهداف آموزشی اثر. ارائه انواع نمونه و مثال از عملکرد کاربردها و کارکردهای شبکه می‌توانست بسیار در غنای این فصل کمک کند. در برخی قسمت‌ها هم مانند تدوین سند راه‌بردی برای مدیریت شبکه هیچ اشاره‌ای به موضوع همکاری‌ها نشده است.

در صفحات ۲۰۸ تا ۲۱۱ در مورد جایگاه کتاب‌خانه ملی در نظام ملی اطلاع‌رسانی صحبت شده است. با توجه به موضوع اصلی کتاب که در مورد همکاری‌های بین مراکز اطلاع‌رسانی و کتاب‌خانه‌هاست، بهتر بود در این قسمت به اهداف، وظایف، و نقش کتاب‌خانه ملی (ایران) در زمینه همکاری‌ها، کمک، هدایت، و مدیریت همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای، تدوین استانداردها و قوانین، و سایر موارد نیز پرداخته می‌شد و به این نکته اشاره می‌شد که آیا کتاب‌خانه ملی در این زمینه‌ها وظایفی دارد یا خیر یا این‌که در راستای این وظایف کار و فعالیتی صورت گرفته است یا نه. هم‌چنین، مطلوب بود که در راستای معرفی و اهمیت نظام ملی اطلاع‌رسانی، به سازمان‌ها و مؤسساتی که با آن سروکار دارند و نقش و اهمیت هر یک، وظایف، فعالیت‌های آنان در راستای توسعه همکاری‌ها، ضرورت وجودی آن‌ها، و فعالیت موازی آن‌ها نیز اشاره می‌شد.

۵.۳ دقت در کاربرد اصطلاحات تخصصی و معادل‌سازی

تعداد اصطلاحات تخصصی در متن زیاد است و عموم این اصطلاحات متناسب با زبان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. معادل‌سازی هم بسیار خوب صورت گرفته است و بررسی واژه‌نامه انتهای کتاب نیز صحت این امر را تأیید می‌کند. به چند مورد در این زمینه اشاره می‌شود:

آوردن معادل لاتین «ویسکانت» در سطر ۶ صفحه ۱۸ در پانوشت لازم است.

در صفحه ۲۹ معادل shared cataloging فهرست‌نویسی تعاونی آمده است و در صفحه ۳۰ معادل central cataloging هم باز فهرست‌نویسی تعاونی آمده است و مناسب است معادل اصطلاح دوم فهرست‌نویسی متمرکز (خود نگارنده کتاب به تفاوت فهرست‌نویسی تعاونی و متمرکز در ابتدای صفحه ۳۰ اشاره کرده است) بیاید.

در صفحه ۳۸ معادل پذیرفته‌شده selective dissemination of information در جامعه علم اطلاعات و دانش‌شناسی ایران «اشاعه گزینشی اطلاعات» است، نه «خدمات توزیع مدرک». هم‌چنین، در معادل لاتین در پانوشت یک of قبل از information جا افتاده است.

در صفحه ۶۱ معادل acquisition در متن خرید آمده است که معادل مناسب آن فراهم‌آوری است؛ چراکه خرید تنها یکی از روش‌های فراهم‌آوری منابع است.

باتوجه به محتوای کتاب و این که نیاز بوده است تا به سازمان‌ها و طرح‌های بسیاری در آن اشاره شود، مخاطب با تعداد زیادی اختصار مواجه می‌شود که تعدادی از آن‌ها در پانوشت به صورت کامل آورده شده و کار درستی است و درمورد تعدادی هم تنها به حروف اختصاری بسنده شده است که مناسب است (از آن‌جاکه کتاب اهداف آموزشی دارد) تا آن‌ها هم کامل شوند؛ مانند Agris, unido در صفحه ۵۰، OSI در صفحه ۶۷، یا JISC در صفحه ۶۹، و بسیاری از موارد دیگر. هرچند فهرست اختصارات در انتهای کتاب آمده است، مطلوب است که شکل کامل موارد در همان صفحه آورده شود.

در صفحه ۷۹ در پانوشت ۲ به جای شکل لاتین «برنامه عمومی اطلاع‌رسانی» معادل نام «پایه‌گذاران یونسکو» که در صفحه قبل آمده تکرار شده است.

در صفحه ۹۷ مطلوب است تا شکل لاتین واژه «سیلویا پلاتر» که به نظر درست آن «سیلورپلاتر» است آورده شود.

در صفحه ۱۲۰ لازم است تا شکل لاتین «گولد»، معادل، و تاحدی معرفی «وی کلاس» در پانوشت آورده شود. هم‌چنین این روش پسندیده است که درمورد شکل لاتین «لیب-

وب-کنس» در صفحه ۱۲۱ و در مورد سایر این دست از موارد رعایت شود تا مخاطب علاقه‌مند بتواند به راحتی پی‌گیر موارد در سایر منابع اطلاعاتی شود. در صفحه ۱۳۹ شکل فارسی distributed «طبقه‌بندی‌شده» آمده، در صورتی که واژه «توزیع‌شده» کاربردی‌تر و مناسب‌تر است.

در صفحه ۱۵۱ چندین بار به قالب او. پی. ام. ال اشاره شده است، که شکل کامل آن نه در پانویشت و نه در فهرست اختصارات آخر کتاب آمده است و احتمالاً بسیاری از کاربران نمی‌دانند این قالب چیست و به چه کار می‌آید.

در صفحات ۲۱۲ تا ۲۲۸ شاخص‌ها و مؤلفه‌های مورد توجه در ایجاد و توسعه شبکه محتوای دیجیتال با ذکر مرجع شاخص معرفی شده است. بسیاری از این مراجع که با حروف اختصاری آمده‌اند، در فهرست اختصارات معرفی شده‌اند، ولی شکل کامل و معرفی برخی در فهرست و در پانویشت نیامده است؛ مانند SIDA، ASIAN، MUTULA، و....

۶.۳ میزان رعایت اصول و اخلاق علمی

مخاطب هنگام مطالعه متن اثر با تعداد قابل توجهی ارجاع درون‌متنی مواجه می‌شود و بیش‌تر مطالب ارائه‌شده در کتاب مستندند و مبدأ آن نیز اشاره شده است. این مسئله نشان از این دارد که مؤلف تلاش داشته است تا در استفاده از منابع مختلف حتماً به ذکر آن‌ها بپردازد. در این میان، فقط دو نکته قابل اشاره است:

در صفحه ۱۶ در مورد «برنامه‌ریزی درخصوص همکاری» اشاره به شش مرحله مطرح شده توسط کوتنز و اودانل شده است، در حالی که نه ارجاع درون‌متنی وجود دارد و نه در پانویشت یا حتی کتاب‌نامه اشاره‌ای به منبع مورد استفاده شده است.

در صفحات ۱۲۵ تا ۱۲۷ مطالبی برگرفته از آثار مهدی علیپور حافظی درج شده است (علیپور حافظی ۱۳۹۰: ۱۲-۱۴) ولی فراموش شده است به آثار وی استناد شود. هرچند در جاهای دیگر اثر و کتاب‌نامه به وی اشاره شده است.

در زمینه میزان استفاده از زبان علمی در متن اثر نیز باید گفت که سراسر متن سرشار است از اصطلاحات تخصصی و مورد قبول جامعه علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی.

بیش‌تر محتوای متن کتاب به معرفی و ذکر نمونه‌ها پرداخته است. سایر مطالب هم حالت کاملاً نظری دارند و در جایی از کتاب ارائه نظریه یا نقد مطلبی دیده نمی‌شود که بتوان در آن اثری از سوگیری علمی دید.

۷.۳ هماهنگی / سازواری اثر با ارزش‌های اسلامی و ایرانی

اثر حاضر متنی است کاملاً علمی و تخصصی در حوزه رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی، که در آن مطلب یا مبحثی در زمینه ارزش‌های اسلامی وجود ندارد و به این لحاظ نمی‌توان هیچ عدم سازواری را در آن با ارزش‌های اسلامی دید. در مورد سازواری با ارزش‌های ایرانی هم اشاره به این نکته خوب است که نگارنده تلاش داشته است تا متناسب با ارائه نمونه‌ها و مثال‌های مربوط به همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی در سایر کشورها نمونه‌های مربوط به ایران هم بیاورد؛ هرچند همان‌طور که گفته شد بهتر بود در موضوع فهرستگان‌ها به شبکه‌های فهرستگانی ایرانی هم اشاره می‌شد.

۸.۳ خلاقیت و نوآوری

موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی از موضوعات قدیمی در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی و مدیریت کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی است و به این مهم در کتاب‌های مختلفی در این رشته پرداخته شده است. البته بیش‌تر در قالب یک فصل یا ذیل یک سرعنوان مطرح شده‌اند و کم‌تر شده است تا به‌عنوان یک کتاب مستقل به این موضوع پرداخته شود. در کتاب مورد بررسی سعی شده است تا در قالب ارائه تأثیرات فناوری اطلاعات و ارتباطات نوعی نوآوری در این حوزه ایجاد شود، اما به دلیل این‌که این مهم چندان بارز نیست و نمی‌توان خیلی تأثیر فناوری را در همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی در آن یافت نمی‌توان گفت که اثر مورد بحث از خلاقیت یا نوآوری خاصی برخوردار است.

۹.۳ استفاده از منابع معتبر و داده‌های روزآمد

از تعداد قابل توجهی منبع اطلاعاتی فارسی و لاتین استفاده شده است. نوع منابع نیز متنوع است؛ کتاب، مقالات چاپ شده در نشریات، مقالات همایشی، رساله‌ها، پایان‌نامه‌ها، و مقالات دائرةالمعارفی. توجه به مأخذ منابع و نویسندگان و پدیدآوران آن‌ها نیز نشان از اعتبار آن‌ها دارد. نگاهی به منابع فارسی اسامی نام‌آشنایی، از جمله عباس حری، را در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی به رخ می‌کشد؛ هم‌چنین، در استناد به منابع در موضوعات خاص تلاش شده است تا به نویسندگان شناخته شده رجوع شود؛ از جمله ارجاع به آثار مهدی علیپور حافظی در موضوعات کتاب‌خانه دیجیتال و مبادله منابع دیجیتال، ارجاع به

آثار سیدمهدی طاهری در زمینه فهرست‌نویسی منابع الکترونیکی، یا ارجاع به آثار حمید محسنی در موضوع خدمات تحویل مدرک. در قسمت منابع لاتین هم به منابع معتبر و مقالاتی از نشریات شناخته‌شده‌ای مانند *Library Quarterly*, *Library Management*, *Interlending and Document Supply* می‌توان اشاره کرد.

در زمینه روزآمدی منابع مورد استفاده، باتوجه به سال انتشار اثر (۱۳۹۶)، باید گفت که منابع روزآمد نیستند. ظاهراً بیش‌تر منابع استفاده‌شده مربوط به ویرایش قبلی کتاب است و برای ویرایش جدید از منابع روزآمد کمی استفاده شده است. در صورتی که، باتوجه به موضوع فناوری محور کتاب و این مهم که دو فصل کتاب به موضوعات فناوری و شبکه اشاره دارند، انتظار استفاده از منابع روزآمد بیش‌تری بود. بررسی منابع استفاده‌شده در اثر نشان می‌دهد که تعداد منابع مربوط به سال‌های بعد از ۱۳۹۰ کم است و در قسمت مربوط به منابع لاتین تعداد منابع مربوط به بعد از سال ۲۰۱۰ بسیار کم است.

۴. نتیجه‌گیری

باتوجه به موضوع مهم همکاری‌های کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی برای متخصصان و دانشجویان علم اطلاعات و دانش‌شناسی و کتاب‌داران کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی، کتاب نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی مورد بررسی انتقادی قرار گرفت و به‌سان همه کتاب‌های تخصصی و علمی دارای نقاط قوت و امتیازات و هم‌چنین برخی کاستی‌ها (از نظر ناقدان کتاب) بود. تلاش و هدف از نقد این کتاب آشکارسازی و توسعه نقاط قوت و رفع کاستی‌ها (در ویرایش‌های آینده کتاب) جهت بهبود و افزایش رضایت خوانندگان آن جهت کسب علم و مهارت در این حوزه موضوعی بوده است. از مهم‌ترین نقاط قوت و امتیازات این کتاب ماهیت وجودی آن است. کتاب حاضر از معدود کتاب‌هایی است که منحصراً به موضوع همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای پرداخته است و بسیار مناسب برای تدریس این موضوع یا معرفی آن به علاقه‌مندان به این حوزه است. از دیگر نقاط قوت جالب توجه این اثر غلط‌املائی و نگارشی نداشتن آن است و تقریباً هیچ اشتباهی را نمی‌توان در آن یافت. اشاره به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی، شبکه‌ها، و زیرساخت‌ها هم از نقاط مهم و ارزش‌مند کتاب است؛ هرچند اعتقاد بر این است که بهتر بود بیش‌تر به تأثیر آن‌ها در توسعه و ارتقای همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی پرداخته می‌شد. بهره‌گیری از فهرست مندرجات کامل، نمایه موضوعی، فهرست

اختصارات، و واژه‌نامه موضوعی انگلیسی - فارسی، که هم کمک‌کننده خواننده در یافتن موضوع موردنظر و هم درک بهتر مطلب برای وی است، نیز از نکات درخور ذکر است. در کنار نقاط قوت کتاب، ذکر برخی کاستی‌های آن و رفع آن‌ها در چاپ‌های بعدی می‌تواند در غنای کتاب تأثیرگذار باشد. از مهم‌ترین موارد این است که جنبه‌های کاربردی کتاب ضعیف است. همان‌طور که در خود کتاب آمده است، همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای بخش‌ها بر خدمات متعدد کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی اثر می‌گذارد. هم‌چنین، در متن به اهمیت فناوری اطلاعات، شبکه‌ها، و زیرساخت‌ها در توسعه و ارتقای همکاری‌ها پرداخته شده است. بنابراین، انتظار بر این بود که بتوان از محتوای کتاب مسائل و جنبه‌های کاربردی برای نحوه راه‌اندازی، توسعه، و ارائه هرچه بهتر این نوع خدمات را یافت. در فصل‌های سوم و چهارم به‌طور مفصل به فناوری اطلاعات، کتاب‌خانه‌های دیجیتال، شبکه‌های ارتباطی، و وب ۲ پرداخته شده است، ولی موضوعات به‌صورت کلی آمده است و مطلب آن‌چنانی در زمینه تأثیر کاربردی آن‌ها در ارتقای همکاری‌های بین کتاب‌خانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی پیدا نمی‌شود. موانع توسعه همکاری‌ها به‌صورت مختصر و عام آورده شده است، در صورتی که مناسب بود تا این موانع، چرایی، و چگونگی آن‌ها، به‌خصوص در سطح ملی، بیش‌تر موردبحث قرار می‌گرفت. از دیگر نقاط ضعف کتاب قدیمی بودن منابع مورد استفاده است. با توجه به سال نشر کتاب بایستی از منابع روزآمد بیش‌تری استفاده می‌شد؛ به‌خصوص با توجه به فصل‌های دو و سه که به فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی و فناوری‌های نوین پرداخته است. در مجموع، ارائه کلی مطالب، عدم تمرکز بر موضوع اصلی کتاب در بسیاری از قسمت‌های متن، و اتکا بر چند منبع برای برخی موضوعات و فناوری‌های نوین از اصلی‌ترین کاستی‌های کتاب مدنظر است و برخی نکات جزئی‌تر که در متن مقاله حاضر بدان‌ها اشاره شد.

ونوس رضایی خجسته ویرایش اول کتاب، یعنی چاپ سال ۱۳۷۹، را مختصری نقد و بررسی کرده است و تأکید داشته که دوینجم صفحات کتاب به مسائل فناوری و شبکه اختصاص یافته که ضرورتی برای طرح آن‌ها نبوده است؛ همان‌طور که در ویرایش سال ۱۳۹۶ هم چنین است (رضایی خجسته ۱۳۷۹: ۲۷).

هدف تألیف کتاب، بنابر آنچه از سخن ناشر و پیش‌گفتار مؤلف کتاب برمی‌آید، آموزشی و تربیت دانشجویان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در زمینه یادگیری موضوع همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی است. از لحاظ نظری، آشنایی با انواع همکاری‌ها، تاریخچه، نمونه‌ها و مصداق‌هایی از این نوع همکاری‌ها، و تاحدودی تأثیر

فناوری‌های اطلاعاتی و ارتباطی در همکاری‌ها که مناسب آموزش و تعلیم دانشجویان باشد در متن کتاب آمده است؛ اما از لحاظ کاربردی و آموزش عملی، همان‌طور که گفته شد، نکته و مطلب قابل توجهی ارائه نشده است و در این زمینه به ویرایش نیاز دارد.

۵. پیش‌نهادهای

باتوجه به تمامی مطالبی که در مقاله به آن‌ها اشاره شد و در راستای بهبود این کتاب ارزش‌مند که در حوزه همکاری کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی نگارش یافته است پیش‌نهادهایی ارائه می‌شود. امید است که این پیش‌نهادهای در ویرایش‌های بعدی کتاب تأثیر مثبتی داشته باشد:

۱. توجه به جنبه‌های کاربردی موضوع اصلی کتاب و ارائه نوعی نگاه عملی در متن؛
۲. کاستن از ارائه کلیات مربوط به موضوعات فناوری و شبکه‌ها و اشاره دقیق به تأثیر آن‌ها از لحاظ نظری و عملی در بحث همکاری‌های بین کتابخانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی؛
۳. استفاده از منابع روزآمد بیشتر در فصل‌ها و بخش‌های مربوط به موضوعات روز و جدید؛
۴. رعایت نوعی ترتیب و توالی تاریخی در فصل مربوط به تاریخچه همکاری‌ها؛
۵. کاستن از حجم نمونه‌ها در بخش تاریخچه، و اشاره به سرنوشت، موفقیت‌ها، یا شکست این نمونه‌های ارائه‌شده؛
۶. تحلیل و تبیین عوامل موفقیت یا موانع شکل‌گیری یا توسعه همکاری‌های بین کتابخانه‌ای و مراکز اطلاع‌رسانی ملی؛
۷. تدوین پرسش‌های انتهای هر فصل، به نحوی که چالشی و تفکربرانگیز باشند؛
۸. در انتهای هر فصل بخشی به عنوان نتیجه‌گیری برای تبیین اهداف و نتایج فصل وجود داشته باشد؛
۹. توجه به بحث ارزیابی اثربخشی همکاری‌ها.

کتاب‌نامه

بیرانوند، علی و پروانه رنجبر (۱۳۸۹)، «بررسی موانع و مشکلات موجود در کتابخانه‌های دانشگاهی منطقه غرب کشور جهت پیاده‌سازی نظام همکاری بین کتابخانه‌ای و خدمات تحویل مدرک»، دانش‌شناسی، ش ۸

نقدی بر کتاب نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز ... (حمیدرضا رادفر و دیگران) ۱۱۷

بیگدلی، زاهد و فاطمه باجی (۱۳۸۸)، «تحلیل علل عدم راه‌اندازی نظام همکاری و امانت بین کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی تخصصی استان خوزستان از دیدگاه مدیران آنها»، *مطالعات ملی کتاب‌داری و سازمان‌دهی اطلاعات*، ش ۷۷.

رضایی خجسته، ونوس (۱۳۷۹)، «همکاری بین کتاب‌خانه‌ای؛ غنی‌تر کردن کتاب‌خانه‌های کوچک»، *کتاب ماه کلیات*، ش ۳۶ و ۳۷.

علومی، طاهره (۱۳۸۲)، *اداره کتاب‌خانه*، تهران: سمت.

علیپور حافظی، مهدی (۱۳۹۰)، *کتاب‌خانه‌های دیجیتال: مبادله اطلاعات*، تهران: سمت.

محسنی، حمید (۱۳۸۲)، *مجموعه‌سازی و خدمات تحویل مدرک*، تهران: کتاب‌دار.

نشاط، نرگس (۱۳۹۶)، *نظام‌های همکاری در کتاب‌خانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی*، ویراست دوم، تهران: سمت.